



واکاوی ابزارهای قدرت نرم در سیاست خارجی قطر
و تاثیر آن بر روابط با ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۳)
حسن کبیری؛ علی آدمی^۲

۳۶

دوره ۱۴، شماره ۱، پیاپی ۳۶
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۱/۰۴
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۳۱
صص: ۵۹-۸۳

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بورس‌های صنعت کوهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225580.1403.14.1.4.3

چکیده

در دهه گذشته، قطر به عنوان بازیگری فعال در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی ظهور کرده و جایگاه ویژه‌ای در معادلات قدرت پیدا کرده است. یکی از ابزارهای اصلی سیاست خارجی قطر، قدرت نرم بوده است. قطر از طریق ابزارهای مختلف قدرت نرم، از جمله رسانه، ورزش، فرهنگ و دیپلماسی، به دنبال ارتقای وجهه خود در سطح بین‌المللی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود بوده است. ابزار قدرت نرم در بین سال‌های مورد مطالعه این پژوهش شامل سه مسیر اصلی بود؛ دیپلماسی رسانه‌ای تأثیرگذار و برندسازی دولتی و کمک‌های خارجی. سوال پژوهش؛ مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم در سیاست خارجی قطر در بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۳ چیست؟ فرضیه پژوهش؛ بر اساس یافته‌ها فرض بر آن است، قطر سعی نموده از دیپلماسی رسانه‌ای، کمک‌های خارجی و برندسازی دولتی بهره‌گیری نماید و با توجه به این سیاست در سال‌های گذشته توانسته است جایگاه ویژه‌ای در منطقه و نظام بین‌الملل به دست بیاورد. همچنین استفاده قطر از قدرت نرم تأثیر مثبتی بر روابط این کشور با ایران داشته است. رسانه‌های قطر مانند الجزیره به پلتفرمی برای گفتگوی بین ایران و کشورهای غربی تبدیل شده‌اند. روش پژوهش؛ روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات نیز عمدتاً از روش کتابخانه‌ای و مطالعه سایت‌ها استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی رسانه‌ای، کمک‌های خارجی و برندسازی دولتی، قطر، الجزیره.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

h.kabiri1392@gmail.com

(نویسنده مسئول)

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

قطر یک مدل سیاست خارجی بی سابقه طراحی کرده است که آن را به کشور کوچک و تأثیرگذار نشان می دهد. یک سیاست خارجی تأثیرگذار و بسیار پویا که قادر به انطباق با شرایط سخت منطقه است. دولت از استراتژی قدرت نرم سود برده است و ابزارهای مختلف قدرت نرم به دولت این امکان را داده اند که بر آسیب پذیری‌ها غلبه کند و با چالش‌ها مقابله نماید. یقیناً سیاست خارجی مبتنی بر قدرت نرم قطر نقش برجسته ای در دستیابی به اهداف دستور کار ملی داشته است. تمیم بن حمد آل ثانی در سال های گذشته اولویتهای سیاست خارجی را تعیین کرد که شامل تضمین امنیت و ثبات جامعه و ایجاد یک برند منحصر به فرد برای دولت است. میانجیگری در مناقشه، بی طرفی و مشارکت در برقراری صلح از مهمترین ویژگیهای سیاست خارجی در سالهای اولیه سلطنت تمیم بن حمد آل ثانی شد. دولت از دوران ظهور به سمت ساخت برند ملی و سپس کنترل و نفوذ حرکت کرده است. از این رو، منابع و ابزارها بین دیپلماسی میانجی‌گری، راه‌اندازی بسترهای رسانه‌ای مانند شبکه الجزیره و اتحاد با اسلام‌گرایان تغییر کرده است.

در ۵ ژوئن ۲۰۱۷، زمانی که عربستان سعودی، امارات، بحرین و مصر محاصره کامل قطر را اعلام کردند، یک بحران دیپلماتیک آغاز شد. پیش از وقوع این بحران، چندین کارزار علیه قطر و امیر آن تمیم بن حمد آل ثانی صورت گرفت. کشورهای چهارجانبه بیانیه ای صادر کردند که شامل ۱۳ خواسته از جمله بستن کانال الجزیره، قطع روابط با ایران و سایر بازیگران مانند اخوان المسلمین، حماس و توقف کمک های خارجی از طریق سازمان های امدادی بود. (محمدی و همکاران، ۲۷:۱۴۰۰). ویژگی‌های سیاست خارجی قطر در سال‌های اخیر پرسش‌های بسیاری را برانگیخته و مسائل بسیاری را مطرح کرده است که نیاز به مطالعه و تلاش برای درک آن‌ها دارد. مفهوم قدرت نرم به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای سیاست خارجی، به ویژه پس از جنگ سرد، شکل‌گیری مجدد روابط بین دولت‌ها و ظهور بازیگران غیردولتی در چشم‌انداز جهانی ظهور کرد. دولت‌های کوچک اولویت ویژه‌ای به قدرت نرم داده‌اند، زیرا از آن‌ها در برابر ضعف و رویارویی با چالش‌های قدرت هژمونیک حمایت می‌کند (Wagner, 2014: 1).

قدرت نرم را می‌توان با دستیابی به نتایج مطلوب از طریق عوامل جذب و توانایی هدایت دیگران به سمت آنچه دولت می‌خواهد تعریف کرد. قدرت نرم به منابع و ابزارهای اخلاقی مانند ارزش‌ها و

اصول، فرهنگ و نهادهای آن، دیپلماسی، رسانه ها، ورزش بستگی دارد. قدرت نرم در دهه های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است و به دولت ها در سطح سیاست خارجی انعطاف پذیری می دهد. ابزارهای قدرت نرم به برخی از کشورها این امکان را داده است که نقش منطقه ای و بین المللی ایفا کنند. دولت ها می توانند از مفهوم سستی قدرت فراتر روند. راه را برای کشورها هموار کرده است تا بر شرایط نامساعد غلبه کنند و بتوانند با قدرت های بزرگ رقابت کنند (Lukes, 2005: 89). علیرغم شرایط نامناسب ژئوپلیتیکی، قطر بازیگری تاثیرگذار در خاورمیانه بوده است. می توان ادعا کرد که افزایش نقش قطر در منطقه عمدتاً ناشی از اتخاذ استراتژی پویا قدرت نرم است. ابتدا باید روشن شود که چرا قطر به سمت این استراتژی حرکت کرده است. در سال های اخیر، به ویژه در دهه گذشته، تمایل دولت به ایجاد یک سیاست خارجی مستقل، علاوه بر تلاش برای رقابت با قدرت های سستی بر سر رهبری منطقه ای، افزایش یافته است. علیرغم موفقیت قطر در غلبه بر تهدیدات امنیتی از طریق اتحاد نظامی با ابرقدرتی مانند ایالات متحده آمریکا، این کشور از تضمین امنیت و ثبات داخلی راضی نبود و سیاست و نقشی بلندپروازانه را آغاز کرد که فراتر از واقعیت ژئوپلیتیکی آن بود (Cherkaoui, 2014: 21). واضح است که در دوران تمیم بن حمد آل ثانی، استراتژی قدرت نرم قطر تثبیت شد. تمیم بن حمد آل ثانی سیاست های متوازن و واقع بینانه ای را اتخاذ کرده است که قدرت های سستی منطقه را در نظر می گیرد. ابزار قدرت نرم در سال های اولیه دوران او شامل سه مسیر اصلی یعنی دیپلماسی میانجیگری، یک شبکه رسانه ای تأثیرگذار و لابی گری سیاسی بود. (Moncunill, 2015: 18).

۱- چارچوب نظری

همانطور که نظم روابط بین الملل در حال تکامل بود، تفسیر سخت از قدرت به آرامی شروع به تغییر کرد. به طور خاص، جوزف نای استدلال کرد که ماهیت در حال تغییر چارچوب بین المللی بر استفاده از اشکال ناملموس قدرت، مانند فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها تأکید دوباره داشته است. بسیج اجتماعی فزاینده باعث می شود که عوامل فناوری، آموزش و رشد اقتصادی، اگر نگوئیم بیشتر، به اندازه جغرافیا، جمعیت و منابع مهم هستند. نای قدرت را به دو صورت سخت و نرم تقسیم می کند.

تعریف نای از قدرت: به عنوان توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای دستیابی به نتایج مورد نظر است (Nye, 1990: 167).



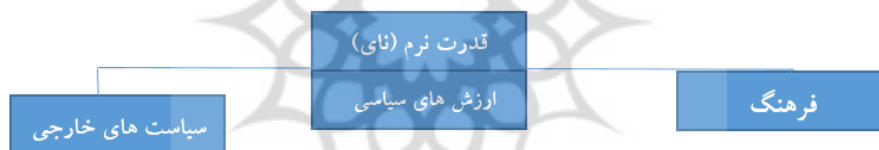
قدرت سخت یا فرماندهی قدیمی ترین شکل قدرت است. به معنای ایده یک سیستم بین المللی آنارشیک مرتبط است، جایی که کشورها هیچ مرجع برتر را به رسمیت نمی شناسند و بنابراین باید بر سیاست قدرت تمرکز کنند. قدرت سخت به عنوان توانایی دستیابی به اهداف از طریق اقدامات یا تهدیدهای قهری، به اصطلاح "هویج" و "چماق" سیاست بین المللی تعریف می شود. از نظر تاریخی، قدرت سخت با معیارهایی مانند اندازه، جمعیت، قلمرو، جغرافیا، منابع طبیعی، نیروی نظامی و قدرت اقتصادی سنجیده شده است. قدرت نرم بر توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران، بدون استفاده از زور، اجبار یا خشونت، اما از طریق دارایی های نامشهود مانند شخصیت جذاب، فرهنگ، ارزش های سیاسی، نهادها و سیاست هایی است که مشروع یا دارای اخلاقی هستند، اشاره می کند. (Nye, 2008: 95).

یکی از مشکلات کلیدی مرتبط با نظریه قدرت نرم، ابهام در مورد منابع آن است در رابطه با تعریف منابع قدرت نرم اختلافاتی وجود دارد. از نظر تاریخی، قدرت سخت با معیارهایی مانند اندازه جمعیت، قلمرو، منابع طبیعی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی سنجیده شده است (Nye and Armitage, 2007: 6).



در مقابل، منابع قدرت نرم، هم از نظر طبقه‌بندی و هم از نظر ماهیت، پیچیده‌تر هستند. از نظر رفتاری، قدرت نرم قدرت جذاب است. از نظر منابع، منابع قدرت نرم دارای‌هایی هستند که چنین جاذبه‌ای را ایجاد می‌کنند. به گفته نای، قدرت نرم یک کشور اساساً بر سه منبع استوار است: فرهنگ آن (در مکان‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی آن (زمانی که در داخل و خارج از کشور مطابق با آنها باشد)، و سیاست‌های خارجی آن (زمانی که آنها مشروع و دارای اقتدار اخلاقی تلقی شوند) (Nye, 2008: 96).

- ۱) فرهنگ مجموعه اعمالی است که برای جامعه معنا می‌بخشد و جلوه‌های فراوانی دارد.
- ۲) سیاست‌های دولت در داخل و خارج یکی دیگر از منابع بالقوه قدرت نرم است. به طور مشابه، سیاست‌های خارجی به شدت بر قدرت نرم تأثیر می‌گذارد. سیاست‌های دولت می‌تواند قدرت نرم یک کشور را تقویت یا کاهش دهد.
- ۳) سیاست‌های داخلی یا خارجی که بی‌تفاوت به نظر دیگران و یا مبتنی بر رویکرد محدود به منافع ملی به نظر می‌رسد، می‌تواند قدرت نرم را تضعیف کند (Pallaver, 2011: 95).



آنچه زمینه توجه به قدرت نرم را به وجود آورد از یک سو، کمبود منابع سازنده «قدرت سخت» و سنگین شدن هزینه کاربرد آن، به خصوص قدرت نظامی، در سایه پیچیدگی سیاست بین‌الملل و افکار عمومی جهانی و از سوی دیگر روش‌های نسبتاً آسان‌تر تولید قدرت نرم و کاربرد بدون چالش آن می‌باشد. به همین سبب، اکثر کشورهای جهان، از کوچک و بزرگ، جایگاه ویژه‌ای برای قدرت نرم قائل شدند. در این میان، جاذبه قدرت نرم برای کشورهای کوچک پررنگ‌تر شد؛ چراکه معمولاً آنها به دلایل ژئوپلیتیکی، آسیب‌پذیر و در عین حال از منابع کمتری برای ساخت قدرت سخت برخوردارند. (اصغری ثانی، ۱۳۹۰: ۴۵)

۲- پیشینه پژوهش

- یکی از مقالاتی که در حوزه قطر در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است مقاله‌ای با عنوان؛ «نقش شبکه الجزیره در دیپلماسی رسانه‌ای قطر» که به نگارش وحید رنجبر حیدری،

محمدرضا فرجی و ابراهیم جمشیدی می باشد. در این پژوهش سعی شده است نقش کامل الجزیره را در سال های گذشته نمایش دهد. این نقش تا سال های ابتدایی جنگ داخلی سوریه را بررسی کرده است و از سوی دیگر توانسته نقش این شبکه را در رخدادهای ۲۰۱۱ جهان عرب نشان دهد.

- مقاله ی دیگری در سال ۱۳۹۶ با عنوان؛ « بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷)» در فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، به قلم عبدالرضا عالیشاهی، حسین مسعودنیا و یونس فروزان به چاپ رسیده است. در این پژوهش سعی شده است تا روابط عربستان سعودی قطر را به دو حالت بیان کند. در حالت اول روابط متعادل و دوستانه و در حالت دوم به صورت خصمانه و گسست روابط. آنچه در این بین مشهود است نویسندگان به چند عامل که تاثیر مسقیم بر قطع روابط داشته اشاره کرده و به بسیاری از عوامل فرهنگی، اقتصادی و روانی همچون تغییر حاکمان به طور کامل اشاره نکرده اند در حالی که مواردی همچون ترسیم الگوهای سیاست خارجی برای قطر در یک دوره بلندمدت و حضور اشخاص تاثیر گذار همچون بن سلمان در حاکمیت می توانست به غنای پژوهش بیافزاید.

- همچنین برخی پژوهش ها به زبان انگلیسی به نگارش در آمده است. یکی از این پژوهش ها مقاله ای با عنوان؛ « Qatar and the Arab Spring: Down the Foreign Policy Slope » که به قلم « Mohammed Nuruzzaman » در سال ۲۰۱۵ به رشته تحریر در آمده است. در این پژوهش ابتدا سعی بر آن است تا سیاست خارجی قطر بیان شود و بعد از آن تاثیر بهار عربی (بیداری اسلامی) بر سیاست خارجی قطر و واکنش این کشور را بدان موضوع شرح دهد. آنچه مسلم است بیشتر در این پژوهش نویسنده سعی دارد تا قطر را کشوری نشان دهد که حاکمان آن میل به تغییر در سیاست خارجی خود و گسترش روابط و نفوذ خود دارد، نشان دهند.

- یکی دیگر از این مقالات در حوزه قطر با عنوان؛ « Actors, Structures and Qatari Foreign Policy » در سال ۲۰۱۹ به قلم « Marwan Kabalan » نوشته شده است.

در این پژوهش ابتدا سعی بر آن است تا بازیگران و ساختارهای حکومتی قطر را بیان کند و پس از آن رخدادهای پس از سال ۲۰۱۱ و اختلافات ایران و عربستان و همچنین روابط با مصر را بیان کند. در این پژوهش تاثیر موقعیت ژئوپلیتیکی قطر را در نوع تصمیم گیری ها به عنوان یک مولفه بسیار مهم نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد.

۳- روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است؛ یعنی از طریق روش تحلیلی ابزارهای قدرت نرم سیاست خارجی قطر را بررسی و تاثیر آن بر ایران را نیز نشان داده است. در این پژوهش از روش مطالعه کتابخانه ای و بررسی متون و محتوای مطالب استفاده می شود. همچنین شیوه جمع آوری داده نیز از طریق مطالعه سایت های معتبر مربوط به قطر و مطالعه اکتب و مقالات و پایان نامه ها می باشد.

۴- ابزارهای قدرت نرم در سیاست خارجی قطر

۴-۱. دیپلماسی رسانه‌ای

ابزار رسانه‌ای سنگ بنای قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی را تشکیل می دهد که رهبران قطر در دو دهه گذشته به طور پیوسته به این ابزار متوسل شده اند. شبکه الجزیره به عنوان مهم ترین ابزار رسانه‌ای در سال های گذشته در استراتژی قدرت نرم ظهور و بروز یافته است. این شبکه چند سالی است که تکامل یافته و نقش آن از یک کانال ساده به یک ابزار استراتژیک بسیار تأثیرگذار تغییر یافته است. الجزیره موفق به ایجاد رویدادهای سیاسی شد و افکار عمومی کشورهای عربی را در بسیاری از مسائل تقویت کرده است. بدون شک، نقشی که در پوشش حوادث بهار عربی (بیداری اسلامی) ایفا کرد، تنش های ژئوپلیتیکی ایجاد نموده است. در این زمینه فضا را برای مخالفان عربستان سعودی و امارات باز گذاشت و اجازه انتقاد از سیاست های این کشورها را نیز داد (Abdul-Nabi, 2017: 8-9). دولت قطر مالک اصلی شبکه الجزیره است و بخش اصلی بودجه این شبکه رسانه‌ای را تأمین می کند که از زمان تأسیس در اواسط دهه ۱۹۹۰ به یک سازمان رسانه‌ای جهانی تبدیل شده است (McGann, 2020: 257).

الجزیره اولین بار در نوامبر ۱۹۹۶ از دوحه به عنوان اولین کانال خبری شبانه روزی پخش خود را آغاز کرد و در کمترین زمان محبوب ترین کانال خبری جهان عرب شد. شیخ حمد به زودی پس از تصدی سمت امیر، ایده تأسیس الجزیره را مطرح کرد تا قطر را به عنوان یک بازیگر مهم منطقه ای نشان دهد. در همین زمینه دکتر کامراوا می گوید، «اگر الجزیره نبود، ناآگاهی بیشتری نسبت به قطر در سراسر جهان وجود داشت.» (Kamrava, 2013: 69). الجزیره همچنین به نمادی از چالش قطر با قدرت عربستان سعودی تبدیل می شد، از طریق رقابت با شبکه خبری العربیه که متعلق به عربستان بود.

پس از اختلافات داخلی و برکناری مرسی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی از قطر درخواست کردند تا از رژیم السیسی در مصر حمایت کند و از دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس خودداری نماید. به همین دلیل، از قطر خواسته شد تا پخش شبکه الجزیره را محدود کرده و اعضای اخوان المسلمین را از قطر اخراج کند. (ذاکریان و عمادی، ۱۳۹۴: ۱۶). در نوامبر ۲۰۱۴، پس از جلسات متعدد شورای همکاری خلیج فارس، اختلاف بر اساس معاهدات اول و دوم ریاض (۲۰۱۳/۲۰۱۴) و یک توافق مخفیانه دیگر (۲۰۱۴) میان این کشورها شکل گرفت. در این توافقنامه ها، قطر موافقت کرد تا شرایطی که از سوی شورای همکاری خلیج فارس در این توافقنامه بیان شده است را تأیید نماید. علاوه بر اخراج حدود ۳۰۰ نفر از اعضای اخوان المسلمین، قطر شاخه مصری الجزیره که مقر آن در دوحه بود را بست (i2.cdn.turner.com, 2019). این شبکه طیف گسترده ای از مهمانان از سراسر منطقه که در مورد مسائل مختلف به بحث و گفتگو می پردازند را دعوت می کند. برخی اوقات رهبران عرب با بستن دفاتر الجزیره یا زندانی کردن روزنامه نگاران آن به پوشش انتقادی این شبکه واکنش نشان می دهند. امارات متحده عربی و دیگر کشورهای همسایه گاهی از الجزیره به دلیل فراهم آوردن بستری برای اخوان المسلمین، حماس و دیگر اسلام گرایان برای ترویج ایدئولوژی خود انتقاد می کنند (Katzman, 2021: 4).

هم زمان با وقوع بیداری اسلامی، قطر به دنبال بهره مندی از توسعه رسانه های اجتماعی بود؛ این امکان از طریق صفحات رسانه های اجتماعی فراهم شده بود. این برنامه از چهره های رسانه ای بانفوذ بر توده مردم حمایت می کرد و برنامه های تلویزیونی زیادی تولید می کرد. همچنین مشوق های مالی قابل توجهی را جهت برگزاری این برنامه ها ارائه داده بود. قطر در بخشی از روزنامه گاردین سرمایه گذاری می کند و تأسیس سایت Middle East Eye نمونه هایی از فعالیت های قطر در این

زمینه بود که به دنبال افزایش نفوذ خود از طریق لابی رسانه‌ای بود. همچنین مشارکت‌هایی با سازمان‌های رسانه‌ای، روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی ایجاد کرد که دارای نفوذ گسترده‌ای در کشورهای غربی مانند ایالات متحده، فرانسه و بریتانیا بودند (Cherkaoui T. 2018: 135-141). نفوذ الجزیره پس از راه‌اندازی شبکه‌های الجزیره انگلیسی، کانال‌های ورزشی الجزیره، کودکان الجزیره و مستند الجزیره افزایش یافت. علاوه بر این، الجزیره فعالیت‌های خود را در حوزه‌های مختلف دیگر گسترش داده است؛ چنانچه مانند شبکه‌های تلویزیونی سستی، تمرکز خود را فقط بر تولید خبر نمی‌گذارد و فعالیت‌هایی مانند جشنواره‌های سالانه، مرکز آموزش الجزیره، مرکز حقوق بشر الجزیره، مرکز مطالعات الجزیره، الجزیره نت و موارد دیگر را پیگیری می‌کند (Da Lage, 2019: 54-55). با توجه به نفوذ و تأثیر گسترده شبکه تلویزیونی الجزیره، به ابزار مهمی در استراتژی قدرت نرم قطر و یکی از مهم‌ترین سلاح‌ها برای دفاع از منافع دولت تبدیل شده است. به این معنا، الجزیره در سه حوزه فعالیت می‌کند؛ اول آنکه پایگاه قدرتمندی است در دست دولت تا بتواند افکار عمومی اعراب را هدایت و تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین، این شبکه توانسته از حمایت مالی نامحدود دولت قطر برای ارتقاء سیاست‌ها و فرهنگ موردنظر خود بهره‌مند شود. دوم، بستر جذابی را برای سیاستمداران و نخبگان علمی و فکری فراهم کرده و بدین ترتیب حمایت و دفاع آن‌ها را از دولت و حاکمان آن جلب کرده است. سوم، در آخرین سال‌های سلطنت شاهزاده حمد، شبکه الجزیره یک سلاح بازدارنده برای مقابله با کمپین‌های مبارزه سیاسی و رسانه‌ای تشکیل داد (Samuel-Azran, 2013: 1297-1298).

همچنین این شبکه به موتور انقلاب‌ها و حامی اصلی دولت‌های روی کار آمده پس از بیداری اسلامی تبدیل شده است. شبکه الجزیره توانسته با مخاطبان ارتباط نزدیکی ایجاد کند و به شهرت خود در جهت ایجاد اعتماد با مخاطب افزوده است. این امر به قطر فرصتی برای گسترش و افزایش نفوذ خود در کشورهای محوری منطقه داده است؛ این موضوع یکی از مهم‌ترین دلایلی است که باعث درگیری با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شده است. علیرغم تأثیر مثبت الجزیره و دستیابی به اهداف سیاست خارجی قطر، پیامدهای منفی روابط قطر با همسایگانش را نمی‌توان انکار کرد (Cherkaoui T. 2018: 135).

۲-۴. تلاش‌ها در جهت «برندسازی دولتی» قطر در سطح منطقه ای و بین‌المللی

تلاش‌های برندسازی دولتی قطر را می‌توان به‌عنوان ایجاد زمینه‌ای پایدار برای قدرت نرم در نظر گرفت. نام تجاری نه تنها در مصرف‌گرایی و حوزه اقتصادی، بلکه در زمینه‌هایی مانند آموزش،

بهداشت و سیاست نیز مورد استفاده قرار گرفته است. امیر تمیم پس از روی کار آمدن به طور برجسته در زمینه «برندسازی دولتی» تلاش کرد. تلاش های او برای برندسازی دولتی به افزایش شهرت و اعتبار قطر در سراسر جهان کمک کرد. رهبری قطر این زمینه های کلیدی را اجرا و در آن سرمایه گذاری کرد، که هم شهروندان خود و هم جامعه بین المللی را در نظر داشت و توانست از منابع آنها به طور موثر برای ایجاد یک برند ملی بی نظیر در منطقه استفاده کند. در واقع، آنها انتظار داشتند به اهداف سیاست خارجی خود در سطح منطقه ای و جهانی دست یابند (Sultan, 2013: 260).

بنابراین آنها برخی از مؤسسات دولتی کلیدی مانند بنیاد قطر (QF)، نفت قطر (QP)، اداره موزه های قطر (QMA)، سازمان گردشگری قطر (QTA) را در کشور تأسیس کردند و علائم تجاری شناخته شده در سراسر جهان مانند الجزیره و قطر ایرویز ایجاد کردند. قطر برنامه های خود را برای افزایش برند خود با اجرای چشم انداز ملی ۲۰۳۰ (QNV) آغاز کرد که هدف اصلی آن توسعه زمینه های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی قطر بود. این طرح موجب ارتقای اقتصاد دانش بنیان شد. بنابراین، دولت از طریق آموزش، نوآوری و فناوری اطلاعات در سرمایه انسانی سرمایه گذاری کرد تا هم به خواسته های ملی در کشور پاسخ دهد و هم دانش را برای نسل های بعدی انتقال دهد. از سوی دیگر، رهبران قطر انتظار داشتند که در این زمینه ها رشد بالایی داشته باشد تا انتظارات مردم قطر را در دنیای مدرن برآورده کند. قطر به عنوان یکی از بالاترین درآمدهای سرانه در جهان، امیدوار است که اقتصاد مبتنی بر رانت خود را به یک اقتصاد مبتنی بر دانش و خدمات متنوع کند (Baghdady, 2016: 13).

نخبگان سیاسی قطر می دانند که منابع طبیعی که در اختیار دارند در نهایت به پایان می رسد و اتکا به درآمد نفت و گاز به شدت خطر بالایی برای رونق آینده آنها دارد. آنها تصمیم گرفتند با تقویت اقتصاد دانش بنیان به یک جامعه مبتنی بر دانش تبدیل شوند. رهبری سیاسی قطر تلاش کرد تا بر استراتژی ملی تأکید کند، که عمدتاً هدف آن پرورش نیروی کار ملی تحت سیاست چشم انداز ملی قطر ۲۰۳۰ است. در این راستا، آنها می خواستند پست های کلیدی رهبری را در بخش خصوصی و دولتی با اتباع قطری پر کنند. بنیاد قطر (QF) عمدتاً به چنین ابتکار راهبردی مبتنی بر دولت کمک کرد. در نتیجه این رویکرد استراتژیک، رهبری قطر با تأمین قطری های واجد شرایط از طریق اجرای استراتژی ملی سازی نیروی کار و حفظ هویت و فرهنگ ملی آن، با موفقیت توانست اقتصاد قطر را

حفظ کند. با این چشم انداز، آنها از طریق پروژه های داخلی مختلف عمدتاً در زمینه بهداشت، آموزش و حمایت اجتماعی به طور استراتژیک در حوزه رفاه سرمایه گذاری کردند. به همین ترتیب، رهبری قطر به دنبال تقویت موقعیت خود در خارج از مرزهای ملی بود. در راستای سیاست خود، آنها از موسسات بین المللی مانند RAND Corporation و Brookings کمک های حرفه ای گرفتند (www.btiproject.org, 2018). با انجام این کار، رهبری قطر آموزش را به عنوان یک موضوع مقدم برعهده گرفت و سپس اصلاحات آموزشی K-12 (۲۰۱۱-۲۰۱۴) را برای آموزش دانش آموزان در مقیاس جهانی اجرا کرد. به یک معنا، به نظر می رسد که این پروژه بزرگ کردن نسل های بعدی قطری باشد. RAND موسسه به اصلاح دولتی سیستم آموزش عمومی کمک کرد. کارشناسان کشورهای دیگر را برای همکاری با بازیگران سیاسی و رهبران آموزش محلی جذب کرد. در راستای سیاست آموزشی خود، دو نهاد مهم داخلی، بنیاد قطر (QF) و دانشگاه قطر (QU) زیر نظر شورای عالی آموزش قطر سازمان مهندسی و ساخت و ساز تخصصی قطر (QSEC) را برای توسعه آموزش در کشور تأسیس کردند (Felsch, 2016: 22)

مزاح بنت ناصر، همسر دوم امیر حمد، نقش کلیدی در اجرای سیاست آموزشی قطر ایفا کرد. او بنیانگذار و رئیس بنیاد قطر (QF) بود. تحت مسئولیت شیخه موزا، QF با آموزش ملی سروکار داشت و «شهر آموزش» را ساخت، جایی که در حال حاضر دانشگاه های معتبر زیادی در آن وجود دارند. شهر آموزش به استراتژی بلندمدت قطر کمک کرد تا اقتصاد سنتی خود را به یک اقتصاد مبتنی بر دانش تبدیل کند (Gengler, 2012: 71) هم شهر آموزش و هم بنیاد قطر، که در راستای استراتژی قدرت نرم قطر تأسیس شده اند، می توانند به عنوان دستگاهی کارآمد برای افزایش قابلیت های غیرمادی قطر در نظر گرفته شوند. تحت این رفتار استراتژیک، آنها به شدت بر دانشجویان خارجی تأثیر گذاشتند تا فرهنگ، ارزش های سیاسی و شهرت قطر را در سطح بین المللی گسترش دهند. اگر دولت ها قدرت خود را در مقابل دیگران مشروع بدانند، با مقاومت یا چالش چندانی در برابر خواسته ها و اهداف بین المللی خود مواجه نمی شوند (Nye, 2004: 10). سرانجام، استراتژی آنها به موفقیت تبدیل شد، زیرا تعداد فزاینده ای از دانشجویان خارجی تحصیلات دانشگاهی خود را در قطر آغاز کردند. همچنین تأکید کرد که سرمایه گذاری آنها در آموزش و پرورش پیام روشنی را به منطقه و جهان ارسال می کند که چگونه دانش و نوآوری هیچ حد و مرز و محدودیتی ندارد.

دانشجویان خارجی که در قطر تحصیل می‌کنند و فرهنگ و ارزش‌های آن را تجربه می‌کنند، به سیاست خارجی قطر کمک می‌کند تا در آینده بیشتر در کشورهايشان از این کشور بگویند و اطلاعات مفیدی در اختیار سایرین قرار دهند. به نظر می‌رسد که توانایی غیر مادی قطر برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود از طریق آموزش عالی به نوعی شباهت‌هایی با هدف بلندمدت سیاست خارجی ایالات متحده در قبال دانشجویان خارجی داشته باشد (Osman, 2013: 4).

سازمان موزه‌های قطر (QMA) یکی دیگر از فعالیت‌های برندسازی در این کشور بود، زیرا موزه‌ها ارتباط قابل توجهی بین گذشته و حال دارند. مردم از طریق نمایشگاه موزه‌ها شاهد احیای شخصیت‌های قهرمان دولت از جمله خانواده حاکم هستند. این «تصمیم رویایی» تحت رهبری دولت، مردم را در مورد تمایز بین گذشته و امروز روشن می‌کند و آنها را برای آینده‌ای بهتر نیز راهنمایی می‌کند (Kamrava, 2011: 158).

شرکت هواپیمایی دولتی قطر ایرویز (QA) یکی از پیش‌بینی‌های قابل توجه غیرمادی توانایی کشور است که تعداد زیادی از مسافران تجاری و ترانزیت را از پروازهای بین‌المللی و منطقه‌ای جذب می‌کند (Cherkaoui, 2018: 127). از این نظر، هدف آن با شرکت‌های هواپیمایی پیشرو منطقه‌ای و جهانی رقیب خود متفاوت است. از زمانی که به عنوان یک شرکت هواپیمایی ملی قطر در سال ۱۹۹۴ راه‌اندازی شد، به تدریج توسعه یافته است. امروز در سراسر جهان شناخته شده است زیرا به بیش از ۱۶۰ مقصد پرواز می‌کند. QA با نزدیک به ۴۶۰۰۰ کارمند حرفه‌ای و فرودگاه بین‌المللی حمد (HIA) در کلاس جهانی به این افراد خدمت می‌کند تا اعتماد آنها را جلب کنند. از این منظر، رهبری قطر بر توسعه QA برای افزایش توانایی غیرمادی خود در عرصه بین‌المللی متمرکز شد و با موفقیت توانست بر بسیاری از مردم در سراسر جهان تأثیر بگذارد (qatarairways.com, 2019). علاوه بر سایر سرمایه‌گذاری‌ها در بخش خطوط هوایی، قطر ایرویز سهام اقلیت (۴۹٪) هواپیمایی ایتالیا را خریداری کرد اما به دلیل ضرر و زیان و مشکلات در شرکت هواپیمایی ایتالیا به عنوان سرمایه‌گذاری بسیار سودآور در نظر گرفته نشد. بسته به این موضوع، می‌توان تحلیل کرد که قطر به جای منافع اقتصادی، حوزه نفوذ خود را گسترش داده است. به عبارت دیگر، قطر قدرت ناملموس خود را در مقیاس جهانی افزایش داد. قطر ایرویز همچنین با حمایت از تعداد زیادی از پروژه‌های داخلی و بین‌المللی سازمان‌های غیرانتفاعی در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی و سازمان‌های ورزشی، روی پروژه

های مسئولیت اجتماعی کار کرد. به این معنا، از «آموزش یک کودک» (EAC)، بنیاد تومور مغزی کودکان (CBTF) و نجات رویا (مرکز بین‌المللی امنیت ورزشی) حمایت کرد (Dudley, 2021). با انجام این کار، قطر امروز نقش پیشرو در طرح قابلیت‌های غیرمادی قطر در سیاست بین‌الملل ایفا کرد. رهبری قطر با فعالیت‌های برندسازی، نگرش منطقه‌ای و بین‌المللی از قطر را تغییر داد. سپس آنها نه تنها در فرهنگ، گردشگری، سفر و آموزش سرمایه‌گذاری کردند، بلکه در ورزش نیز سرمایه‌گذاری کردند. فعالیت‌های ورزشی برای مردم جذابیت داشت و قابلیت‌های غیرمادی قطر را برای تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی هدایت می‌کرد. بنابراین، آنها سعی کردند قطر را به یک قطب ورزشی در منطقه تبدیل کنند. در همین راستا میزبان رویدادهای ورزشی بسیاری در کشور برگزار شد (-qatar masters.com, 2019). علاوه بر این، بیست و چهارمین دوره مسابقات قهرمانی جهان هندبال مردان در سال ۲۰۱۵ در دوحه برگزار شد. جدای از مزایای داخلی و بین‌المللی سازمان‌های ورزشی فوق، بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ نقش مهم‌تری در مناقصه قطر برای سازمان‌های بزرگ ورزشی ایفا کرد. به این ترتیب قطر پس از برگزاری موفقیت‌آمیز بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه ثابت کرد که می‌تواند میزبان رویدادهای بزرگ ورزشی باشد.

در سال ۲۰۱۰، قطر علیرغم اتهامات فساد در موضوع قرعه‌کشی انتخابی میزبان رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲، موفق شد تا در این انتخابات پیروز شود. قطر اولین کشور عربی بود که میزبان چنین پروژه بزرگی در منطقه می‌شود. استراتژی توسعه ملی (۲۰۱۷-۲۰۲۲) مصمم شد که این پروژه‌ها را به موقع به پایان برساند (Davidson, 2015). در این چارچوب، در فرآیند سازمانی، رهبری قطر باید نهادهای اجتماعی، مالی و سیاسی کشور را بسیج می‌کرد. بنابراین، توانایی رهبری در سوق دادن نهادهای داخلی به سازمان‌دهی چنین پروژه‌هایی را نشان داد. آنها متعهد شدند که مبلغ هنگفتی را در زیرساخت‌های کافی برای این رویداد ورزشی بین‌المللی سرمایه‌گذاری کنند. علاوه بر این، رهبران قطری از این فعالیت‌های ورزشی برای نشان دادن کشور خود بر روی نقشه جهان استفاده کردند (Osman, 2013: 5).

۴-۳. کمک مالی قطر

کمک‌های خارجی قطر، قبل از سال ۱۹۹۵، بیشتر سنتی و در راستای کمک‌های اعراب و سیاست‌ها و چارچوب‌های شورای همکاری خلیج فارس بود. مقصد بیشتر کمک‌های قطر

کشورهای عربی و مسلمان بوده است و قبلاً از طریق سازمان های چند جانبه مانند اتحادیه جهانی مسلمانان^۱ (MWL)، صندوق توسعه اقتصادی و اجتماعی عرب^۲ (AFESD) و صندوق نظارت عرب^۳ (AMF) و موسسات مالی اسلامی مانند بانک توسعه اسلامی^۴ (IDB) فعالیت می کرد. به گفته ویلیامز (۱۹۸۴) آن کمک های عربی که در آسیا و آفریقا متمرکز بود، بر پروژه های توسعه اقتصادی و اجتماعی، فعالیت های آموزشی و فرهنگی و پروژه ها و فعالیت های مذهبی متمرکز بود. در ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ قطر در کمیته کمک به توسعه^۵ OECD (DAC) به عنوان تامین کننده مالی که امتیازی قابل توجه برای آن بود، در جهت همکاری های توسعه و کمک های بشردوستانه شرکت کرد (OECD, 2018). این امر مشارکت کشور را در رژیم کمک های بین المللی و چارچوب های مرتبط با آن افزایش داده است زیرا DAC انجمن پیشرو برای ارائه دهندگان همکاری های توسعه و کمک های بشردوستانه است. به عنوان یک اهداکننده، روابط قطر با کمک کنندگان بزرگ و متوسط و همچنین با مؤسسات چندجانبه به تدریج در سیاست گذاری و تخصیص کمک های آن منعکس می شود. منشأ سیاست کمک خارجی قطر (QFAP) را می توان به دوره پس از استقلال قطر از بریتانیا در سال ۱۹۷۱ ردیابی کرد. تکامل QFAP در سالهای اول استقلال مستقیماً از فضای منطقه و درآمدهای مالی حاصل از فروش نفت نمود پیدا می کرد. از آنجایی که روابط با پنج کشور دیگر عضو شورای همکاری خلیج فارس یکی از ویژگی های اصلی سیاست خارجی قطر بوده است، پیش از تشکیل خود شورا در سال ۱۹۸۱، QFAP به طور اساسی تحت تأثیر سیاست ها و چارچوب های کمکی آنها قرار گرفت. ویژگی های سیاسی و اجتماعی-اقتصادی بسیار مشابه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باعث شده است که توسط بسیاری از سازمان های بین المللی و دانشگاه ها به عنوان یک نهاد منفرد از نظر سیاست های کمکرسانی و کمک های مالی به آنها نگاه کنند (Tok, 2015).

1Muslim World League
2Arab Fund for Economic and Social Development
3Arab Monetary Fund
4Islamic Development Bank
5Williams
6Development Assistance Committee

انگیزه‌های سیاست کمک خارجی قطر

بحث‌های متعددی در مورد انگیزه‌های کمک‌های خارجی وجود دارد. در واقع، کمک‌های خارجی، که ذاتاً نوع دوستانه است، هرگز نباید به عنوان یک هدیه صادقانه داده شود، بلکه برای اهداف و منافع کشورهای کمک‌کننده داده می‌شود (Lancaster, 2015: 40). به همین ترتیب، دولت قطر چندین انگیزه متمایز برای کمک دارد و از کمک برای پیشبرد منافع ملی خود استفاده می‌کند. این انگیزه‌ها می‌توانند ماهیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کنار سایر انگیزه‌های مهم مرتبط با امنیت و بقا داشته باشند. مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، شرایط و منافع بر سیاست کمک‌های خارجی قطر تأثیر می‌گذارد که منعکس‌کننده تصمیم‌گیری‌ها در مورد دامنه و توزیع کمک‌ها است.

۴-۳-۱. انگیزه‌های سیاسی

منافع سیاسی به طور مداوم یکی از انگیزه‌های مهم پشت سیاست کمک‌های خارجی هر کشوری است. در مورد قطر، دستیابی به اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی هدف سیاسی اصلی کمک‌رسانی است. قطر برای پاداش دادن به متحدان و ایجاد اتحادهای استراتژیک در نقاط مختلف جهان کمک می‌کند. قطر از کمک‌ها به عنوان یک ابزار دیپلماتیک برای برقراری ارتباط با بسیاری از کشورهای عربی و کشورهای آفریقایی و آسیایی استفاده کرده است. قطر همچنین از کمک‌های خارجی خود برای بیان برخی ارزش‌ها و اصول سیاسی در سیاست خارجی این کشور مانند همبستگی با کشور فلسطین و حمایت از جنبش‌های قیام عربی استفاده کرده است. از نظر سیاسی نیز، قطر از کمک به عنوان ابزاری کلیدی برای این کشور استفاده می‌کند تا نفوذ بین‌المللی فزاینده خود را تقویت کند و عناصر قدرت نرم منطقه‌ای و جهانی را در اختیار داشته باشد (Kamrava, 2011: 540). پرداخت کمک به کشورهایی مانند اریتره، کامبوج، هائیتی و نپال و حمایت از تلاش‌های صلح و پروژه‌های بازسازی در بسیاری از اقتصادهای شکننده، کشورهای جنگ‌زده، شواهد مهمی در این زمینه است. مصر، در دوران مرسى، در تخصیص کمک‌های قطر به این کشور مورد توجه قرار گرفت که ۳ میلیارد دلار وام و همچنین پنج محموله رایگان گاز مایع در زمانی که غرب در اعطای کمک مالی دولت مرسى تردید داشت، دریافت کرد. به همین ترتیب، قطر از کمک‌های خارجی برای ایجاد متحدان و حمایت از آنها در بسیاری موارد دیگر مانند ترکیه، یمن، عراق و مراکش استفاده کرده است. علاوه بر این، تلاش‌ها و مشارکت قطر در توسعه جهانی نیز با انگیزه سیاسی در

نظر گرفته می شود. جایگاه محکم آن در عرصه بین المللی در منافع بسیاری برای سیاست قطر و به ویژه برنامه سیاست خارجی منعکس شده است (Al-Attiyah, 2013).

همچنین کمک ها و پروژه های خارجی مردم را جذب می کند و دیدگاه آنها را نسبت به اهداکنندگان تغییر می دهد. به طور مشخص، قطر پول قابل توجهی را برای کاهش تنش در فلسطین در سال ۲۰۱۸ اهدا کرد. سپس، به دلیل کمک های مالی خود، جوانان فلسطینی را جذب کرد. در سفر محمد العمادی، دیپلمات قطری، برخی از جوانان فلسطینی فریاد زدند: زنده باد قطر! در واقع، روابط نزدیک قطر و حماس از دیرباز شناخته شده است. قطر از حماس و فلسطینیان در برابر فشارهای اسرائیل حمایت دیپلماتیک و مالی کرد. در سال ۲۰۰۶، دوحه بلافاصله پس از انتخابات پارلمانی ۵۰ میلیون دلار به غزه کمک کرد. در سال ۲۰۱۱، خالد مشعل، رهبر سابق دفتر سیاسی حماس که مجبور شد سوریه را به دلیل فضای سیاسی داخلی ترک کند، مورد استقبال قطر قرار گرفت. همچنین امیر حمد بن خلیفه آل ثانی در سال ۲۰۱۲ از نوار غزه بازدید کرد. وی تنها رئیس یک کشور یا رهبر عرب بود که پس از تسلط نیروهای حماس بر غزه از نوار غزه بازدید کرد (theguardian.com, 2019).

این نشان داد که قطر در زمان صلح و درگیری از فلسطینی ها و اعراب حمایت می کند. دوحه بدون توجه به شکاف سیاسی، فتح و حماس، به فلسطین کمک کرد. در ماه مه ۲۰۱۹ دوحه اعلام کرد که پس از آتش بس با اسرائیل، ۴۸۰ میلیون دلار برای فلسطینیان در کرانه باختری اشغالی و نوار غزه تحت محاصره برای بهداشت، آموزش و کمک های بشردوستانه ارسال خواهد کرد. اسماعیل هنیه، رئیس سیاسی حماس، و محمود عباس، رئیس جمهور فلسطین، از امیر حمد برای کمک های خارجی سخاوتمندانه قطر تشکر کردند (Al Jazeera, 2019).

۴-۳-۲. انگیزه های امنیتی

کشور قطر به عنوان کشور کوچکی که در یک منطقه ناآرام سیاسی واقع شده است، اهمیت زیادی برای امنیت و بقای خود قائل است. قرار گرفتن قطر در وسط منطقه ای تحت تسلط رقبای سیاسی و نظامی مانند عربستان سعودی و ایران و همچنین منابع فراوان انرژی و جمعیت کم آن، امنیت را به یکی از دغدغه های اصلی این کشور تبدیل کرده است (Roberts, 2016: 30).

امنیت و انسجام داخلی یکی دیگر از انگیزه های کمک های قطر با توجه به واقعیت های آشکار جمعیتی است. اندازه کوچک شهروندان قطری به نسبت کل جمعیت کشور، حدود ۱۵ درصد می باشد، در مقابل جمعیت مهاجر که ۸۵ درصد تخمین زده می شود، یکی دیگر از ابعاد امنیتی در اقدامات کمک های قطری است. از آنجایی که اکثر مهاجران خارجی از کشورهای با درآمد کم یا متوسط مانند فیلیپین، هند، بنگلادش و نپال هستند، قطر تصمیم گرفت روابط دوجانبه خود را با این کشورها با استفاده از کمک خارجی به عنوان ابزار اصلی تقویت کند.

حمایت از برنامه های توسعه و مشارکت در تلاش های بشردوستانه در کشورهای مبدأ به کاهش تنش هایی که ممکن است با جمعیت مهاجر وجود داشته باشد، کمک می کند. به عنوان مثال، صندوق توسعه قطر به طور مداوم پروژه های توسعه ای را در نپال، فیلیپین، بنگلادش و هند تامین مالی کرده است. سازمان های قطری نیز مانند سازمان خیریه قطر و هلال احمر قطر مأموریت های عملیاتی و برنامه های منظمی در این کشورها دارند. بدین ترتیب قطر یک سیاست کلاسیک کشورهای کوچک آسیب پذیر را با هدف جلب رضایت هر چه بیشتر بازیگران بزرگ دنبال کرد که کمک های خارجی یکی از ابزارهای اصلی برای دستیابی به این هدف بود. افزایش مداوم کمک های چندجانبه قطر و مشارکت در سیستم کمک های جهانی می تواند مستقیماً با بعد امنیتی این کشور مرتبط باشد. (Keohane, 2006: 57).

بر این اساس، ملاحظات امنیتی بر کمک های قطری به سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی تأثیر گذاشته است که همزمان بحران های منطقه ای که خطر ایجاد هرج و مرج و هجوم پناهندگان را به همراه داشت. به عنوان مثال، قطر به طور مداوم از برنامه های یونسف، سازمان جهانی بهداشت و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در کشورهای مختلف همسایه مانند اردن، لبنان و یمن حمایت مالی کرده است. این امر توسط بسیاری از مقامات قطری تأیید شده است و تأکید می کنند که کمک های بشردوستانه می تواند منجر به جلوگیری از مهاجرت در آینده و فروپاشی کشورهای شود که سایر کشورهای همسایه را تحت تأثیر قرار می دهد (MOFA, 2018).

۴-۳-۳. انگیزه های اجتماعی فرهنگی و مذهبی

پیشینه فرهنگی-اجتماعی قطر نقش مهمی در تنظیم سیاست کمک خارجی قطر و الگوهای کمک رسانی مرتبط با آن دارد. چنین انگیزه ای در واقع حول دو بعد مرتبط با یکدیگر تکامل می یابد. به صورت محلی، مربوط به ارزش ها و باورهای مردم، و در خارج مربوط به سیاست های دولت و روابط

خارجی است. قطری ها به عنوان مسلمان و عرب سعی می کنند ارزش های خود را از همبستگی اسلامی و سخاوت عربی به تصویر بکشند. کمک های خارجی نقش مهمی در ترویج فرهنگ و ارزش های فرهنگی قطر ایفا می کند. این نقش در دو جنبه نشان داده می شود: ارتقای ارزش های فرهنگی قطر به عنوان یک ملت عرب و مسلمان و تقویت توسعه فرهنگی کشور. استفاده از کمک های خارجی برای پیشبرد شخصیت فرهنگی است که قطر به عنوان یک قدرت نرم در حال رشد از آن استفاده می کند. به این ترتیب، نخبگان قطری معتقدند که قدرت نرم با برخی دیگر از مفاهیم قرابت فرهنگی، مجاورت جغرافیایی، همراهی تاریخی و مذهبی و تصویرسازی اجتماعی همراه است. استراتژی کمک های خارجی بخش مهمی را برای اعطای منابع قدرت نرم و ایجاد تصویری جهانی برای ارزش های فرهنگی قطر مانند سخاوت، ایدئولوژی و فلسفه، یکپارچگی و همبستگی به خود اختصاص داده است. قطعاً این امر باعث ایجاد جذابیت فرهنگی در میان مخاطبان خاص می شود که عنصری ضروری برای قدرت های منطقه ای برای دستیابی به قدرت نرم است (Nye, 1990: 150).

علاوه بر این، عامل مذهبی یک نیروی مؤثر در کمک های خیریه در قطر است. اصل انفاق در اسلام محفوظ است و به اشکال مختلف مانند زکات و صدقه تجلی یافته است. از نظر مذهبی، چنین اصولی در اعطای خیریه مبتنی بر همبستگی با فقرا و نیازمندان، به ویژه مسلمانان است، و این در کمپین های عمومی سازمان های دولتی و غیردولتی قطر که عمدتاً کشورهای مسلمان را هدف قرار می دهند، نمایش داده می شود. این ترجیحات در کمک رسانی به مردم آشکارا توسط دولت حمایت می شود، به ویژه اینکه اکثر افراد قطری ثروتمند هستند و همین امر باعث می شود که کمک کنندگان محلی متقاعد شوند. علاوه بر این، دولت و مردم قطر نشان می دهند که ارائه کمک ها یک تعهد اخلاقی مبتنی بر اصول بشردوستانه است، صرف نظر از اینکه چه چیزی پیشنهاد در یافت کنندگان آن است. مقامات قطری ادعا می کنند که بیشتر کمک های قطر بر اساس تعهد اخلاقی که عنصر اساسی فلسفه و فرهنگ قطر است، به کشورهای فقیر می رسد (Barakat and Zyck, 2010).

۴-۳-۴. انگیزه های اقتصادی

قطر با استفاده از کمک های خارجی به عنوان ابزاری برای بیان مشارکت خود به عنوان یک کشور ثروتمند، مقاصد امنی را برای سرمایه گذاری های خارجی خود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در نظر می گیرد. علاوه بر آن، قطر که به شدت بر تجارت متکی است، به دلایل جغرافیایی و

طبیعی فراوان، به دنبال تقویت روابط تجاری خود با بسیاری از کشورها است. کمک های خارجی در این موضوع نقش ایفا می کند زیرا قطر مایل است روابط تجاری خود را با شرکای اصلی بازار که به ثبات و امنیت منطقه و به ویژه قطر اهمیت می دهند، حفظ کند. قطر علاوه بر حفظ توافقات دفاعی و خرید تسلیحات، به کمک خارجی با چین کشورهایی برای ابراز دوستی و همسویی ادامه می دهد. بنابراین، روابط قطر با شرکای تجاری و مقاصد سرمایه گذاری بالقوه و همچنین کشورهای صنعتی غربی، یکی از مؤلفه های تأثیرگذار کلیدی در تنظیم سیاست کمک خارجی قطر بوده است. قطر همیشه به دنبال فرصت های سرمایه گذاری خوب است و هر چه کشورهای منطقه با ثبات تر باشند، فرصت ها بهتر است. در حالی که قطر در تلاش برای دنبال کردن فرصت های سرمایه گذاری سودآور می تواند خودخواه به نظر برسد، باید به عنوان یک موقعیت برد-برد در نظر گرفته شود، زیرا کشورهای دریافت کننده اغلب مشتاق تر برای جریان های سرمایه گذاری خارجی هستند.

۴-۴. تأثیر قدرت نرم در سیاست خارجی قطر بر روابط با ایران

رهبران قطر به طور مداوم با ایران برای کاهش تنش های منطقه ای گفتگو دارند و هم زمان با تلاش های آمریکا برای مقابله استراتژیک با ایران همکاری می کنند. در فوریه ۲۰۱۰، شیخ تیمیم به عنوان ولیعهد، برای مذاکره با رهبران ایران به این کشور سفر کرد. قطر سفیر خود را در ژانویه ۲۰۱۶ در جریان اختلاف عربستان و ایران بر سر اعدام شیخ نمر از سوی عربستان از تهران خارج کرد (Katzman, 2021: 10). در ۵ ژوئن ۲۰۱۷، کشورهای چهارگانه عربستان سعودی، بحرین، امارات و مصر محاصره هوایی، زمینی و دریایی را بر قطر اعمال کردند. قطر با تهدیدهای داخلی و خارجی ناشی از محاصره، از جمله مجموعه ای از چالش های مالی و تجاری، از طریق توازن همه جانبه مقابله کرد که به این کشور اجازه داد با شرکای متعددی از جمله ایران در حالی که به دنبال خاتمه محاصره است همکاری کند.

این محاصره به ایران فرصتی داد تا بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس با ارائه خطوط جایگزین تأمین و صادرات مواد غذایی تحریم شده، شکاف ایجاد کند. علاوه بر این، ایران به هواپیماها و کشتی های قطری اجازه داد تا برای دور زدن محاصره به حریم هوایی و قلمرو خود دسترسی پیدا کنند. اگرچه این بحران به دلایلی آشکار ادامه داشت، یعنی نگرانی از روابط قطر با ایران، عوامل دیگری که باعث ایجاد تنش می شوند، همچنان مبهم هستند. با این وجود، عامل ایران در بحران نیاز به بررسی عمیق تر روابط دوحه با تهران داشت. ایران در سال های گذشته دریافته است که قطر سعی دارد تا با همه

دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که منافع آن را تأمین می‌کند رابطه برقرار نماید. برای مثال قطر که چتر امنیتی آمریکا را انتخاب می‌کند - درحالی‌که از طرف دیگر روابط دوستانه با ایران و حماس رابطه دارد (kamrava, 2017: 12). چنانچه ایران نیز کاملاً به این موضوع واقف است که قطر روابط حسنه با اسرائیل دارد و از سوی دیگر نیز این رابطه با فلسطین دارد و توانسته موازنه ایجاد نماید.

قطر در چارچوب بهره‌گیری از سیاست قدرت نرم خود سعی داشته در سال‌های گذشته در روابط خود با ایران توازن را حفظ نماید. به طوری که در بین سال‌های مورد مطالعه علاوه بر ارتباط با ایران در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی؛ از طریق اهرم میانجیگری نیز سعی کرده قدرت خود را به نمایش بگذارد. این موضوع جایگاه این کشور را بیش از پیش در منطقه ارتقا داده است. نمونه این میانجیگری را باید در سال‌های گذشته در تنش میان ایران و عربستان سعودی نگریست. هرچند روابط قطر با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۳ روبه بهبودی گذاشت (از اواسط ۲۰۲۱ عادی سازی روابط با سفر امیر قطر به ریاض آغاز شد) و اکنون ارتباط نزدیکی با عربستان سعودی دارد؛ اما این روابط به دلیل استقلال این کشور هر لحظه ممکن است مجدداً به سردی و قطع روابط بازگردد به همین جهت قطر و ایران به دلیل سطح آسیب‌پذیری‌های ایجاد شده پس از محاصره، به روابط دیپلماتیک و تجاری خود ادامه خواهند داد. قطر به تأمین غذا، بنادر و فضای هوایی ایران نیاز دارد تا تداوم فعالیت‌های اقتصادی خود را تضمین کند.

استفاده قطر از قدرت نرم تأثیر مثبتی بر روابط این کشور با ایران داشته است. رسانه‌های قطر مانند الجزیره به پلتفرمی برای گفتگوی بین ایران و کشورهای غربی تبدیل شده‌اند و رویدادهای ورزشی و فرهنگی در قطر به ایرانیان و قطری‌ها فرصتی برای تعامل و شناخت بیشتر یکدیگر داده‌اند. علاوه بر این، تلاش‌های دیپلماتیک قطر در برخی از مناقشات منطقه‌ای به نفع ایران بوده است. به عنوان مثال، قطر در سال ۲۰۱۵ با میانجی‌گری خود، زمینه را برای توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ فراهم کرد. با این حال، روابط ایران و قطر بدون چالش نبوده است. اختلافات سیاسی در منطقه و رقابت برای منابع، گاهی اوقات تنش‌هایی را بین دو کشور ایجاد کرده است. با این وجود، قدرت نرم قطر به عنوان عاملی برای ثبات و گفتگو، به حفظ روابط مثبت بین دو کشور کمک کرده است.

نتیجه گیری

قدرت نرم به منابع و ابزارهای اخلاقی مانند ارزش ها و اصول، فرهنگ، دیپلماسی، رسانه ها و ورزش بستگی دارد. قدرت نرم در دهه های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است و به دولت ها در سطح سیاست خارجی انعطاف پذیری می دهد. ابزارهای قدرت نرم به برخی از کشورها این امکان را داده است که نقش منطقه ای و بین المللی ایفا کنند. دولت ها می توانند از مفهوم سستی قدرت فراتر روند و به همین سبب راه را برای کشورها هموار می کند تا بتوانند با قدرت های بزرگ رقابت کنند.

قطر از سال ۲۰۱۱ به طور گسترده ای سعی داشته است از قدرت نرم در پیاده سازی سیاست خارجی بهره گیری نماید. این سیاست را با عمل در سه حوزه مختلف در منطقه و سطح جهانی پیگیری کرده است. یکی از مهم ترین مولفه ها بهره گیری از رسانه و ابزار دیپلماسی عمومی می باشد. در این راستا امیر قطر با اولویت دادن به آزادی مطبوعات از تأسیس رسانه الجزیره حمایت کرد. الجزیره با پخش چالش برانگیز خود با رویکرد سستی رسانه های منطقه، نقش مهمی در امور منطقه ای و بین المللی ایفا کرد و توانست توجه جهان عرب و غرب را به خود جلب کند. به بیان روشن تر، الجزیره نماینده قدرت غیرمادی قطر (قدرت نرم) در داخل و کشورهای دوردست می باشد. همزمان، سرمایه گذاری های استراتژیک و کمک های خارجی را در بسیاری از نقاط جهان انجام داد تا از سیاست خارجی مستقل خود محافظت کند و از موقعیت سیاسی خود در سیاست منطقه ای و بین المللی استفاده کند. موسسات دولتی و فعالیت های برندسازی بر این اساس قابلیت های غیرمادی (با بهره گیری از مولفه های قدرت نرم) خود را ایجاد کردند. به طور خلاصه، قطر پیش بینی قدرت نرم خود را از طریق دارایی های دولتی افزایش داد و با موفقیت از این قابلیت های قدرت غیرمادی در طول سال های ۲۰۱۱-۲۰۲۳ بهره برداری کرد.

قطر به عنوان یک کشور عربی و مسلمان در سطح جهان شناخته می شود که هنجارها و ایده های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی بر جنبه های مختلف زندگی در این کشور تأثیر می گذارد. علاوه بر قانون اساسی دائمی قطر، نظام حقوقی قطر مبتنی بر قوانین اسلامی و مدنی است که به طور گسترده بر زندگی عمومی و اجتماعی حاکم است. همچنین یکی از جنبه های بسیار مرتبطی که در جامعه قطر در سه دهه گذشته مورد توجه قرار گرفته است، خودانگاره و خودبینی مناسب آنهاست. اکتشاف مخازن انرژی و افزایش شدید درآمد، این کشور را برای سرمایه گذاری در سایر زمینه ها تشویق کرد

و به این ترتیب، جامعه قطری به طور موثر مسیر خود را از یک جامعه فقیر به یک جامعه قوی با پشتوانه‌های فرهنگی غنی به نمایش گذاشت. چنین تغییری در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی آنها منعکس می‌شود که مستقیماً بر مشارکت کشور در سیستم کمک‌های بین‌المللی و سیاست کمک خارجی قطر تأثیر می‌گذارد.

کمک‌های قطر از زمان استقلال این کشور تا شکل کنونی آن دو مرحله اصلی را طی کرده است. تغییر رهبری سیاسی در سال ۱۹۹۵ بر کمک‌های خارجی قطر و سیاست آن به ویژه با برنامه بلندپروازانه سیاست خارجی این کشور و رشد قدرت نرم در سطح منطقه و جهان تأثیر گذاشته است. کمک‌های قطر از نظر کمیت و تعداد کشورهای دریافت‌کننده و همچنین ایجاد یک سیاست کمک مشخص که شامل اهداف استراتژیک و عملی است، به شدت تغییر کرده است.

ایران در سال‌های گذشته دریافت‌کننده است که قطر سعی دارد تا با همه دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که منافع آن را تأمین می‌کند رابطه برقرار نماید. چنانچه ایران نیز کاملاً به این موضوع واقف است که قطر روابط حسنه با اسرائیل دارد و از سوی دیگر نیز این رابطه را با فلسطین دارد و توانسته موازنه ایجاد نماید. قطر پیچیده‌ترین و در عین حال عمل‌گرایانه‌ترین روابط را با ایران در میان شش عضو شورای همکاری خلیج فارس یعنی بحرین، عمان، کویت، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی دارد. مشارکت قطر و ایران چندین دهه در برابر سیاست‌های ناپایدار خلیج فارس ثابت مانده است (منطقه‌ای مستعد بحران‌ها و خصومت‌های مکرر) و به قطر این امکان را داد، در حالی که به عنوان یک کشور کوچک بین دو کشور قدرتمند منطقه در خلیج فارس، یعنی عربستان سعودی و ایران قرار دارد، ثبات داشته باشد.

به طور کلی قطر از طریق ابزارهای مختلف قدرت نرم، از جمله رسانه، ورزش، فرهنگ و دیپلماسی، سیاست خارجی فعالی را دنبال کرده است. این رویکرد به قطر کمک کرده است تا روابط خود را با طیف گسترده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله ایران، ارتقا دهد. استفاده از قدرت نرم، قطر را به عنوان کشوری مدرن، صلح‌آمیز و دارای نفوذ در منطقه مطرح کرده است و به این کشور کمک کرده است تا در حل و فصل مناقشات منطقه‌ای نقشی سازنده ایفا کند.

فهرست منابع

- ذاکریان، مهدی؛ عمادی، سید رضی (۱۳۹۴). واکاوی عملکرد شبکه الجزیره در تقویت قدرت نرم قطر، مطالعات راهبردی، ۱۸(۶۷)، ۶۹-۹۶.
- محمدی، محمدرضا؛ نصیری حامد، رضا؛ ربیعی، سعید (۱۴۰۰). تحلیل بحران روابط قطر و عربستان سعودی در چارچوب قدرت نرم قطر، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۸)، ۱۲۱-۱۴۸.
- اصغری ثانی، حسین (۱۳۹۰). ارزیابی قدرت نرم قطر، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
- Wagner, J. P. (2014). The Effectiveness of Soft & Hard power in Contemporary International Relations. E-International Relations Students, 14, pp.1-5.
- Lukes, S. (2005). Power and the Battle for Hearts and Minds. Millennium, 33(3), PP.83-97.
- Cherkaoui, T. (2014). Al Jazeera's Changing Editorial Perspectives and The Saudi-Qatari Relationship. The Political Economy of Communication, 2(1), pp.17-32.
- Moncunill, M. S. (2015). Qatar During the Reign of Hamad Al Thani (1995-2013): From Soft power to Hard Power. Institut Catala Internacional per la Pau(1), pp.1-71.
- Nye, J. S. (1990). Soft power. Foreign policy, (80), 153-171.
- Nye, J. S. Jr., 2008. Public Diplomacy and Soft Power. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 616(94)
- Pallaver, M., 2011. Power and its Forms: Hard, Soft, Smart. MPhil. London School of Economics
- Abdul-Nabi, Z. (2017). Al-Jazeera's Relationship with Qatar Before and After Arab Spring: Effective Public Diplomacy or Blatant Propaganda? Arab Media & Society, 24, pp.1-21.
- McGann, James G. "2019 Global Go To Think Tank Index Report" (2020). TTCSP Global Go To Think Tank Index Reports. 17. https://repository.upenn.edu/think_tanks/17
- Kamrava, Mehran. Qatar: Small State, Big Politics. Ithaca, NY: Cornell University Press, 2013.
- <http://i2.cdn.turner.com/cnn/2017/images/07/10/translation.of.agreementsupdated.pdf>.

- Katzman, Kenneth (2021). Qatar: Governance, Security, and U.S. Policy. Congressional Research Service, <https://crsreports.congress.gov, R44533>
- Da Lage, O. (2019). The Politics of Al Jazeera or The Diplomacy of Doha. In In The Al Jazeera Phenomenon (pp. pp.49-65).
- Samuel-Azran, T. (2013). Al-Jazeera, Qatar, and New Tactics in State-Sponsored Media Diplomacy. *American Behavioral Scientist*, 57(9), pp.1239-1311.
- Sultan, Nabil. "Al Jazeera: Reflections on the Arab Spring", *Journal of Arabian Studies*, 3:2, 2013, 249-264, DOI: 10.1080/21534764.2013.863821.
- Baghdady, Ahmed. "Transforming Qatar's PSE: Achievements and Concessions", in M.E. Tok et al. (Eds.), *Policy-Making in a Transformative State: The Case of Qatar*, London: Palgrave Macmillan, 2016, DOI 10.1057/978-1-137-46639- 6_13. https://www.btiproject.org/fileadmin/files/BTI/Downloads/Reports/2018/pdf/BTI_2018_Qatar.pdf, (29 December 2018)
- Felsch, M. (2016). Qatar's Rising International Influence: a Case of Soft Power?. *Conjuntura internacional*, 13(1), pp.22-35.
- Justin Gengler, "The Political Costs of Qatar's Western Orientation", *Middle East Policy*, Vol. XIX, No. 4, Winter 2012, p. 71
- Antwi-Boateng, Osman. "The Rise of Qatar as a Soft Power and the Challenge", *European Scientific Journal*, December 2013.
- Cherkaoui, Tarek. "Qatar's public diplomacy, international broadcasting, and the Gulf Crisis", *Rising Powers Quarterly*, Volume 3, Issue 3, 2018, pp. 127-149.
- QatarAirways, <https://www.qatarairways.com/content/dam/documents/presskit/The%20Story%20of%20Qatar20Airways%20-%20English.pdf>, (04 November 2019).
- Davidson, Christopher M. *After the Sheikhs the Coming Collapse of the Gulf Monarchies*. London: Hurst & Company, 2015.
- Lancaster, C. (2015). Foreign Aid in the Twenty-First Century: What Purposes?. In *Foreign Aid and Foreign Policy: Lessons for the Next Half-Century* (pp. 39-60). Routledge.
- Roberts, D. B. (2016). *The Four Eras of Qatar's Foreign Policy*. *La Política Exterior de Qatar*, 1.

- Keohane, R. O. (2006). The contingent legitimacy of multilateral-ism. *Multilateralism under challenge*, 56-77.
- Barakat, S., & Zyck, S. A. (2010). Gulf state assistance to conflict-affected environments, (10). Retrieved from: <http://eprints.lse.ac.uk/55240/1/>
- MOFA, Q. (2018b). Views on Qatar's International Cooperation. Diplomatic Institute. Doha.
- The Guardian, "Qatar to send \$480m to help Palestinians in West Bank and Gaza", 07 May 2019. <https://www.theguardian.com/world/2019/may/07/qatar-send-480m-help-palestinians-west-bank-gaza-israelceasefire>, (30 June 2019).

